

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

راجع به مواقیت عرض شد که ما به مباحثی مانند این که مواقیت را چرا مواقیت می گویند نمی پردازیم اینها را خود رفقا طبعاً آشنایی دارند و بررسی می کنند.

راجع به مواقیت برای افرادی که از نواحی مختلف به سمت مکه متوجه هستند روایات این امکانه را ذکر کرده اند: برای اهل عراق، عقیق که همان وادی العقیق است، برای اهل مدینه مسجد شجره و ذوالحلیفه، برای اهل شام جحفه و برای اهل طائف هم که قرن المنازل و برای اهالی یمن هم یلملم. اینها مواقیتی است که رسول خدا تعیین کرده است و در حال حاضر هم مردم بر همین کیفیت حرکت می کنند.

روایاتی که در این بحث هست مربوط می شود به افرادی که از مجاور مکه نیستند و از بلاد بعیده قصد مکه را دارند که به اصطلاح مادون ثمانیه فراسخ

نیستند ولی برای افرادی که بین میقات و بین مکه منزل و مسکن آنهاست میقات آنها همان دُویره خود بلد خواهد بود و آن طوری که از خود روایات برمی آید در این مسئله فرقی نمی کند که خود شخص ساکن آن جا باشد یا ساکن آن جا نباشد فرض کنید که مهمان باشد و قصد دارد برای مهمانی دوستش یا رفیقش در آن جا بماند و بعد از آن جا به سمت مکه حرکت کند. همچنین شخصی لازم نیست که از مسجد شجره احرام ببندد و برود در منزلش بلکه می تواند به آنجا برود و در آن منزل یک روز، دو روز، چند روز بماند و بعد از آن جا حرکت کند؛ دیگر نباید برگردد به خود مسجد شجره و دوباره از آن جا احرام ببندد، چون منزلش مادون میقات است نسبت به مکه.

در دسته بندی لحن روایات، ما به موارد متعدده مختلفه برخورد می کنیم: یک دسته از روایات به طور کلی صرف میقات را بیان کرده اند و اهالی نواحی مختلف که از امکنه نائیه (دور) قصد مکه را دارند این چند میقات برای آنها بیان شده است بدون توجه به عذر شرعی و بدون توجه به ضیق وقت و

البته آن عذر شرعی مختلف است می تواند مرض باشد یا غیر مرض باشد همه مشمول این عذر شرعی قرار می گیرد. این یک دسته از روایات که البته این روایات زیاد است و دیروز هم خواندیم و اینها دیگر نیازی به توضیح ندارد مثل روایت علی بن ابراهیم قمی که روایت ایشان به اصطلاح روایت صحیح است و ایشان از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می کند که: «من تمام الحجّ و العمرة ان تُحرم من المواقیت التي وقّتها رسول الله لا تجاوزها الاّ و انت مُحرم فانه وقت لاهل العراق و لم یکن یومئذ عراق و بطن العقیق من قبل اهل العراق و وقت لاهل الیمن یلملم و وقت لاهل الطائف قرن المنازل و وقت لاهل المغرب الجحفه و وقت لاهل المدینه ذا الحلیفه و من کان منزله خلف هذه المواقیت مما ینالی مکه فوقته منزله؛ البته منزل در این جا فقط به متوطنین آن محل به کسی که منزلش در آن جاست اطلاق نمی شود. منزلش در آن است حالا مهمان هم باشد باز آن جا منزل او است تفاوتی از این نقطه نظر ندارد، این یک دسته از روایات است که در همین زمینه باز از علی بن ابراهیم است از حلبی قال ابی عبدالله علیه السلام: الاحرام من

مواقیت خمسہ وقتہا رسول اللہ لاینبغی - این  
 «لاینبغی» را همان طور که عرض کردم مسئلہ مهمی  
 است باید به آن توجه کنیم - لحاجّ و لا لمعتمر ان  
 یحرم قبلها و لا بعدها نہ قبل از میقات کسی می تواند  
 احرام ببندد مثلاً قبل از این کہ بہ مسجد شجرہ برسد  
 بگوید من از همان هتل می خواهم احرام ببندم! نہ،  
 این احرام باطل است. یا این کہ بعد از آن؛ پس اگر  
 شخصی بعد از ذوالحلیفہ احرام ببندد این احرام  
 باطل است و صحیح نیست طبق این روایت و باید  
 دوبارہ برگردد از همان میقاتی کہ عبور کردہ از همان  
 جا احرام را دوبارہ ببندد و احلال کند برای عمرہ یا  
 برای حج کہ در این زمینہ باز روایاتی هست کہ  
 حضرت می فرمایند باید برگردد مگر این کہ چنانچہ  
 در روایات بعد داریم وقت او ضیق باشد و یا عذر  
 داشتہ باشد کہ همان احرام کفایت می کند. و وقت  
 لاهل النجد العقیق و وقت لاهل الطائف قرن المنازل  
 و برای یمن یلملم و لاینبغی لاحد ان یرغب عن  
 مواقیت؛ رسول اللہ این مسئلہ، مسئلہ مهمی است کہ  
 لاینبغی لاحد ان یرغب عن مواقیت یعنی از آن چہ  
 را کہ حضرت تعیین کردہ اند تجاوز کند و برای  
 خودش میقات دیگری را برگزیند. ما می بینیم این  
 روایات ہمہ صریح است و یکی و دو تا ہم نیست.

این روایات، روایات بسیاری است حالا چه روایت علی بن ابراهیم که منجر به استناد به معاویه بن عمار یا به حلبی می شود یا باز همین روایت را صدوق نقل کرده است و این را از او نقل می کند یا مثلاً روایت علی بن جعفر است از موسی بن جعفر، روایت عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام باز همین است. روایت عبدالله بن جعفر در قرب الاسناد از علی بن رئاب است که روایت او صحیح است و همین طور روایت اینها را که خدمت شما عرض می کنم چیزهایی است که بعداً در آن مطلبی که مورد نظر داریم اهمیت حیاتی دارد.

میزان روایاتی را که از ائمه علیهم السلام در موضوع واحد آمده است برای انسان خیلی تعیین کننده است نسبت به کیفیت نظر امام علیه السلام درباره افراد خب شما ببینید الان در این روایات متعددهای که داریم که خیلی در این زمینه هست؛ روایاتی که در این جا هست به اضافه روایاتی که در جامع الاحادیث است - البته جامع الاحادیث از این جامع تر است وقتی که من نگاه می کردم خیلی زیاد یعنی بیش از بیست یا بیست و پنج روایت به طرق

مختلف بوده است که به همه آنها اعتماد شده است و همه آنها یک مسئله و یک مطلب را بیان می‌کردند که این مواقیت، مواقیتی است که رسول خدا تعیین کرده است - الان ما نگاه می‌کنیم می‌بینیم آن چه در این جا مورد نظر است، روایات، تمام توجه افراد به این مواقیت است؛ یعنی از چند جهت حرکت افراد به صوب مکه در این راستا تحقق پیدا می‌کند یعنی اگر شخص از آن طرف بیاید باید خودش را به این میقات برساند.

اگر شما در نقشه نگاه کنید می‌بینید بسیاری از این راههایی که افراد می‌آمدند دقیقا با میقات برخورد نمی‌کرده مثلا فرض کنید راهی که شخص از جده وارد می‌شود با این که افراد بسیاری از ناحیه جده می‌آمدند در آن موقع از بلاد هند که می‌آمدند به جده می‌آمدند. جده ارتباطی با جحفه ندارد ولی می‌بینیم که حضرت آن مسیر را میقاتش را جحفه قرار داده است.

البته جحفه برای آن اهالی که به اصطلاح از طرف غرب می‌آیند یا برای افرادی که از ناحیه عراق می‌آیند آن را مثلا وادی العقیق قرار دادند در حالتی که آن

افرادی که از ناحیه عراق می‌آیند که مرز عراق با عربستان آن مزر از نجف است از آن جا حرکت شروع می‌شود غیر از آن افرادی که از طریق بصره هم حالا ممکن است بیایند این دقیقا محاذی با آن میقات نیست باید راه خودش را کج کند و یک مقداری از آنجا عبور کند یا در جده باید دو ساعت یا دو ساعت و نیم برود برای جحفه در حالتی که بین جده و مکه نیم ساعت راه است با ماشین سه ربع راه است ولی تا جحفه دو ساعت و نیم است باید دو ساعت و نیم تا جحفه برود و دو ساعت و نیم هم باید برگردد مکه که می‌شود پنج ساعت! این شخص باید این همه راه برود دقت در این مسائل برای انسان این مسئله را روشن می‌کند که نظر ائمه علیهم السلام در میقات یک نوع الزامی بوده است برای افراد که در همین قضیه افرادی که از خارج می‌آمدند در آن میقات احرام خودشان را در این میقات قرار بدهند ولی راجع به افرادی که بالفرض در مادون مسافت باشند خلف المیقات باشند آنها دیگر لازم نیست برگردند زیرا خود آن میقات باشند با ورود او شخص

را در برگرفته و آن جنبه میقاتیت برای این گونه افراد در خلف المیقات مهیا شده است آن حالت میقاتیت و حیثیت میقاتیت بدون خلف المیقات وراء المیقات است که قدام المیقات که در آن جا آن حیثیت میقاتیت در آن جا حاصل نشده است مگر این که شخص به آن جا برسد.

در یک روایت است که اتفاقاً حضرت این مسئله را یک قدری بیشتر توضیح می دهند؛ شخص از حضرت سوال می کند که من با یک عده ای حرکت می کنم و می آیم به سمت مکه آنها در آن جا قبل از این که به میقات برسند احرام می بندندخب من چه کنم و من که نمی توانم با آنها محرم شوم و ممکن است در آن جا آب نباشد و چه نباشد و اینها حالا ممکن است مسئله تقیه بوده یا مسئله به نحو دیگری بوده است مثلاً نبود آب و اینها بوده است در آن جا حضرت او را راهنمایی می کنند می گویند کارهایی را که تو می خواهی انجام بدهی آن جا انجام بده ولی احرام و تلبیه را باید بگذاری به میقات بررسی قبل از میقات نتیجه ندارد. روایت احمد بن علی بن ابیطالب که روایت طبرسی یا طبرسی در کتاب احتجاج محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری که

به حضرت می نویسد: کتب الی صاحب الزمان  
یسئله عن الرجل یكون مع بعض هؤلاء و ینكون  
متصلا بهم یحج و یأخذ عن الجاده این با آنها حج  
می کند و لا یُحرم هؤلاء من المسلخ اول آن میقات  
مسلخ بوده است برای این افراد حالا می گویم مسلخ  
کجا است که مربوط به اهل عراق است فهل یجوز  
لهذا الرجل ان یؤخر احرامه الی ذات عرق فیُحرم  
معهم لما یخاف الشهره ام لا یجوز الا ان یحرم من  
المسلخ تا این که احرامش را از مسلخ ببندد این را  
من جابه جا گفتم عرض کردم قبل از رسیدن به  
میقات نه در اینجا از میقات می گذرد و آن افراد اهل  
سنت از آن میقات احرام نمی بندند به خاطر نبود آب  
و کمبود آب حرکت می کنند و می آیند و می رسند  
به ذات عرق که به ذات عرق که رسیدند احرام را  
می بندند و در آن جا آب هست و لابد امکاناتی بوده  
است که می توانستند تغییر لباس بدهند. فکتب الیه  
فی الجواب حضرت در جواب می فرمایند که یحرم  
من میقاته باید از اول آن میقات احرام را ببندد ثم  
یلبس الثیاب حالا بعد عیب ندارد لباس بپوشد و  
یلبّی فی نفسه و تلبیه را بگوید فاذا بلغ الی میقاتهم

اظهره<sup>۱</sup> این نشان می‌دهد که تجاوز از میقات جایز نیست؛ یعنی یک نفر بدون علت و دلیلی از یک میقات حرکت کند و به جای دیگر برود. این روایاتی که در این جا هست و البته راجع به میقات اهل خود مکه هم که داریم از ادنی الحل است که الان همان مسجد تنعیم یا غیر مسجد تنعیم است فرق نمی‌کند حالا یکی از آنها مسجد تنعیم است یا نسبت به اهالی مکه از خود دویره مکه است اینها را عرض می‌کنیم.

راجع به اینها مسئله نیست و تأکیدی که ائمه کردند نسبت به احرامی که باید از میقات بسته شود آن مطلبی که هست این است که آیا افرادی که دارای عذر هستند می‌توانند قبل از میقات احرام ببندند یا این که بعد از میقات ببندند؟ راجع به این مسئله و همین طور بقیه مسائل فردا انشاءالله.

یکی از مطالبی را که من بارها خدمت رفقا گفتم این است که در هر بحثی - البته مباحث دیگری که هست روایات این را نمی‌توانیم بگوییم که اینها به همدیگر ارتباط ندارد - حداقل آن این است که برای

---

۱- وسائل الشیعه. ج ۱ - ابواب المواقیات - الباب ۲، ح ۱۴۸۹۵

رسیدن به مطلب روایات هر بابی دسته بندی شود آن روایاتی که اول مطلب را ظاهر می کند آنها را انسان قرار بدهد، روایاتی که ممکن است با اینها یک اختلافی در کلام داشته باشد بعد قرار بدهد و بعد روایاتی که ممکن است معارض باشد اینها را هر کدام اگر انسان دسته بندی کند خیلی سریع می رسد به آن مراد امام علیه السلام و به آن مقصود امام در بیان مطلب که در کجا امام این را فرموده، علت اختلاف چه جهت داشته است و علت تضادی که ممکن است باشد به کجا برمی گردد تا این که این طوری که مثلا ما در همین مجامع روایی می بینیم این قضیه رعایت نشده و همین طور بدون دسته بندی صحیح و لازم آوردند.

اللهم صل علی محمد و آل محمد